

بسم الله الرحمن الرحيم

شمشیر راستگوتر از کتاب‌هاست!

(ترجمه)

آنچه امروز در غزه از کشتارهای خونین و جنایات وحشیانه علیه مردم ما جریان دارد، هرگز نمی‌تواند در سالن‌های خیانت‌آلود شوراهای یا در راهروهای سازمان‌های فاسد بین‌المللی حل شود، و نه می‌توان آن را به امیدهای واهی مذاکرات بی‌ثمر که حاکمان خوار و خفیف برای حفظ آبروی خود به قیمت خون بی‌گناهان دنبال می‌کنند، گره زد.

تاریخ ثابت کرده که یهودیان هیچ عهد و پیمانی را رعایت نمی‌کنند؛ آنان هر بار که طوفان‌ها فروکش کند و خشم‌ها آرام گیرد، به خیانت‌های گذشته خود بازمی‌گردند. فاجعه غزه نه با یک آتش‌بس سست و شکننده حل می‌شود و نه با مذاکراتی که جز به امتیازدهی‌های بیشتر ختم نمی‌شود. یهودیانی که سرزمینی از سرزمین‌های مسلمانان را غصب کردند، مردمش را آواره ساختند و بارها و بارها مرتکب کشتار علیه آنان شدند، همچنان تا زمانی که موجودیت‌شان پابرجاست، به قتل و کوچاندن مردم ادامه می‌دهند. آنان ریشه بلایا و علت بیماری هستند، و هیچ راه درمانی وجود ندارد مگر با ریشه‌کن کردن این موجودیت غاصب؛ و هر راه حل دیگری خیانتی است به الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم، فلسطین و مردم آن.

راه حل در التماس به امریکا برای فشار آوردن به یهودیان نیست و نه در محکومیت‌های لفظی که حکامی که برای حراست از منافع استعمار بر سر کار آمده‌اند، تکرار می‌کنند. اگر یهودیان امروز بر مردم ما در غزه چیره شده‌اند، به این دلیل است که می‌دانند در میان مسلمانان کسی نیست که شرشان را دفع کند، دستشان را قطع کند و در برابر نقشه‌هایشان بایستد.

نصرت واقعی تنها با اشک ریختن و سخنرانی کردن تحقق نمی‌یابد، بلکه با زنده کردن فریضه جهاد ممکن می‌شود؛ فریضه‌ای که از طریق آن حقوق بازپس گرفته می‌شود، خون‌ها حفظ می‌شود و عزت‌ها دوباره برپا می‌گردد. متأسفانه، حاکمان سرزمین‌های ما در کنفرانس‌های بی‌ثمر خود تصمیم گرفته‌اند این فریضه بزرگ را معطل کنند، بدون ذره‌ای شرم از الله سبحانه و تعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم و با این کار، ستون فقرات و نیروی امت را از کار انداخته‌اند.

و چه تأسف‌بار است که امروز ما تنها در ابراز اندوه و همدردی با یکدیگر رقابت می‌کنیم، و به محکوم کردن و اظهار انزجار بسنده می‌کنیم، بدون اینکه حتا یک گام عملی برداریم، و بدون اینکه حتی همچون کلاغانی باشیم که می‌دانند چگونه خطاهای برادرانشان را بپوشانند! تمام بیانیه‌ها و سخنرانی‌های تسلیت، نه عزت از دست رفته مسلمانان را بازمی‌گرداند و نه خونریزی آنان را متوقف می‌کند و نه ناله‌های مادران داغ‌دیده را خاموش می‌کند... زیرا شمشیر راستگوتر از کتاب‌هاست...

شایسته‌تر این بود که ما برای پیوستن به صفوف مجاهدانی که برای آزادسازی سرزمین و نبرد با دشمن و ریشه‌کن کردن آن در حرکتند، به پا می‌خاستیم تا جهان بداند که پشت مسلمانان امتی زنده وجود دارد و لشکرهایی هستند که پیش می‌روند تا زمین را زیر پای دشمنانشان به آتش بکشند.

مسئله فلسطین امروز آغاز نشده است؛ بلکه شاید سرآغاز آن از همان لحظه‌ای بود که خلیفه عبدالحمید دوم رحمه‌الله از فروش حتا یک وجب از آن سرزمین خودداری کرد و گفت: «فلسطین ملک شخصی من نیست، بلکه متعلق به امت اسلامی است. اگر روزی خلافت را از هم پاشید، آن وقت می‌توانید آن را بدون هیچ هزینه‌ای تصاحب کنید؛ اما تا وقتی که من زنده‌ام، بریدن بدنم برایم آسان‌تر است از اینکه بینم فلسطین از پیکره دولت عثمانی جدا شود.» چه فاصله‌ای است میان موضع آن مردِ دولتمرد و مواضع حاکمان امروز ما؛ آن مردی که هرگز با دشمن معامله نکرد، و این حاکمان که با دشمن مذاکره می‌کنند و به آمریکا التماس می‌کنند تا بر رژیم غاصب فشار بیاورد که جنایاتش را متوقف کند.

کار به جایی رسیده که یکی پس از دیگری امتیاز می‌دهیم، فقط برای متوقف کردن تجاوز گروهی که تعدادشان به اندازه یک کشور کوچک هم نمی‌رسد! پس ما تا چه اندازه در باتلاق ذلت فرو رفته‌ایم؟! دیگر محکوم کردن‌ها سودی ندارد و اظهار انزجار ثمری ندارد. ما توانایی رویارویی داریم، اگر از وابستگی دست برداریم و اگر صاحبان قدرت و اقتدار، به ویژه کشورهایی که غزه را محاصره کرده‌اند - نه دشمن را - به مسئولیت خود قیام کنند.

ما امتی هستیم که جهاد بر آن فرض شده است، فریضه‌ای که با تصمیمات سیاسی یا توافقات آتش‌بس از بین نمی‌رود و تعطیل نمی‌شود. اما نظام بین‌المللی، نه مظلومی را یاری می‌کند و نه از حقی حمایت می‌کند؛ و تصمیماتش در هر جا که باشد، همواره در خدمت پروژه صهیونیسم است. دیگر هیچ حجتی باقی نمانده و هیچ عذری پذیرفته نیست؛ مصیبت عمومی شده، ذلت گسترش یافته، دشمن در تجاوز خود بی‌پروا شده و ما تنها نظاره‌گر شده‌ایم و هر کس در برابر جنایات دشمن سکوت کند در حالی که توانایی دفع آن را دارد، شریک جرم دشمن است.

و در پایان به برادران مجاهدان که در سرزمین اسراء و معراج مرابط هستند می‌گویم: به راه خود ادامه دهید، بر حق ثابت‌قدم بمانید، که شما از ما گرمی‌تر هستید و فریب کسانی را نخورید که با مذاکره و امتیازدهی، دین خود را به بهای ناچیزی از دنیا می‌فروشند. شما در مسیری گام برمی‌دارید که پیشینیان شما از صحابه، تابعین و مجاهدان در راه الله سبحانه و تعالی پیموده‌اند! به الله سوگند، این سنتی مبارک و راه عزت است، و هیچ راهی برای بازگشت به کرامت وجود ندارد جز از مسیر جهاد.

بدانید که در میان امت، برادرانی دارید که آشکارا بر حق ایستاده‌اند؛ کسانی که مخالفت مخالفان آسیبی به آنان نمی‌رساند، و دلشان آرام نخواهد گرفت تا زمانی که وعده الهی تحقق یابد، و لشکرهای مسلمانان زیر پرچم توحید به پیش بتازند، به رهبری‌ای که صفوف را متحد و همه را زیر کلمه توحید جمع می‌کند و عزت و شکوه را به امت باز می‌گرداند؛ و این بر الله سبحانه و تعالی آسان است.

نویسنده: مؤنس حمید

مترجم: پارسا امیدی

28 شوال 1446 ه.ق.

25 اپریل 2025 م.